



## بررسی اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیر نفتی

فرزاد ناظمی<sup>۱</sup>

### چکیده

در اقتصاد مدرن درجه توسعه یافتگی یک کشور رابطه مستقیمی با حجم روابط تجاری بین المللی آن کشور دارد. بنابراین توسعه صادرات و تحصیل منابع ارزی در سرلوحه اهداف سیاستگذاران اقتصادی کشورها قرار دارد. با استفاده از صادرات، کشورها می توانند الف- از طریق تحریک تولید داخلی نرخ تولید و اشتغال را افزایش داده و ب- منابع ارزی لازم را جهت افزایش واردات و مصرف داخلی که باعث افزایش رفاه اقتصادی می گردد، تامین کنند. افزایش صادرات اصلی ترین سیاست اقتصادی دولت ایران در چند دهه اخیر بوده است. به منظور رهایی از اقتصاد تک محصولی، توسعه صادرات غیر نفتی برای دولت ایران یک ضرورت انکار ناپذیر است. این مطالعه در تلاش است پس از تحلیل نظری اهمیت و جایگاه صادرات غیر نفتی کشور، با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی<sup>۲</sup> ارتباط متغیرهای کلان اقتصادی همانند تورم، نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی را با صادرات غیر نفتی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. داده های آماری مورد استفاده در این تحقیق مربوط به بعد از انقلاب می باشد. این مطالعه نشان می دهد که الف - یک ارتباط مثبت بین نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی با صادرات غیر نفتی و ب - یک ارتباط معکوس بین نرخ تورم و صادرات غیر نفتی در این فاصله زمانی وجود دارد. طبق یافته های این تحقیق سیاستگذاران اقتصادی می توانند از طریق کاهش نرخ تورم و افزایش تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز قدم های سازنده ای را در جهت توسعه صادرات غیر نفتی کشور بردارند.

### واژه های کلیدی:

صادرات غیر نفتی، تورم، نرخ ارز، تولید ناخالص داخلی.

<sup>۱</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

<sup>۲</sup> - Ordinary Least Square

## مقدمه

یکی از مباحثی که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه محققان و بحث و جدل آنها قرار گرفته، موضوع صادرات غیر نفتی و مشکلات مربوط به آن و همچنین، نقصان‌ها و کمبودهایی است که در این زمینه وجود دارد، آنچه به صورت اجمالی دیده می‌شود این است که اکثر محققان بر روی اصول و معیارها و استانداردهای موجود در تجارت بین‌المللی و صادرات سایر کشورهای موفق به بررسی صادرات غیرنفتی ایران می‌پردازند. آنها با مطرح کردن شکاف و فاصله موجود به عنوان مشکل و توجه به راهکارهای تجربه‌شده توسط کشورهای موفق آن را به عنوان پیشنهادی در جهت افزایش صادرات غیرنفتی ایران بکار برده‌اند. همچنین بسیاری از محققان، یکی از مشکلات کشورهای در حال توسعه و جهان سوم راتک محصولی بودن و وابستگی اقتصاد آنها به صدور مواد خام و اولیه و پیامدهای منفی و ناگوار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ناشی از این‌گونه برخوردها در تجارت بین‌الملل می‌دانند.

با توجه به اینکه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور بر مبنای صادرات غیرنفتی استوار گردیده است و نیز با توجه به بحث موجود در ارتباط با حذف اقلام انرژی و منابع طبیعی از لیست صادرات کشورها و بالاخره لزوم شکوفایی اقتصاد کشور در بخش صادرات غیرنفتی و عدم وابستگی کشور به اقتصاد تک‌محصولی، چنین به نظر می‌رسد که کشور ما جایگاه مناسبی نخواهد داشت. از طرفی با توجه به اینکه به آینده نزدیک مزیت رقابتی کشور در زمینه صنعت نفت از دست خواهد رفت و میزان تولید نفت کفاف مصرف داخلی را نیز نخواهد داشت، پرداختن به موضوع صادرات غیرنفتی، خصوصاً از طریق متغیرهای کلان اقتصادی که تاکنون در کشور خیلی مورد بحث بررسی قرار نگرفته است، ضروری به نظر می‌آید.

اهمیت صادرات و لزوم برنامه‌ریزی صحیح در بخش صادرات غیرنفتی در جهت خود کفایی موضوعی است که همواره مورد توجه اقتصاددانان و کارشناسان، اقتصادی ایران بوده است به طوری که به جرأت می‌توان گفت یکی از اصلی‌ترین اهداف اقتصادی در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، موضوع صادرات غیرنفتی می‌باشد. لذا مقاله

حاضر علاوه بر پذیرفتن مشکلات و کمبودهای موجود در روند صادرات غیرنفتی و همچنین پیامدهای منفی ناشی از وجود اقتصاد تک‌محصولی، پا را فراتر گذاشته و صادرات غیرنفتی را از دیدگاه کلان اقتصادی مورد مطالعه و بررسی قرار داده است و صادرات را به عنوان متغیری از متغیرهای کلان اقتصادی که تحت تأثیر سایر متغیرهاست، مورد مطالعه قرار می‌دهد [۳].

## استراتژی توسعه صادرات غیرنفتی در ایران

از دیرباز، انگیزه‌ها و منافع صادرات همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده است. بعضی از نظرات ایشان حتی با توجه به قدمت ابزار آن‌ها، هنوز هم تازگی خود را حفظ نموده است. به عنوان مثال نظریات اندیشمند بزرگ علم اقتصاد «جان استوارت میل» که با نقل قول و الهام از «دیوید ریکاردو» در قرن نوزدهم ارائه شده و به طور خلاصه شامل موارد ذیل می‌باشد:

به وسیله صادرات، یک کشور قادر به وارد کردن کالاهایی خواهد شد که خود نمی‌تواند تولید کند.

با توسعه صادرات، نیروهای مولد جهانی در مکان‌ها و بخش‌هایی بکار گرفته می‌شوند که از کارایی و بهره‌وری بیشتری برخوردار شده و در نتیجه تولید جهانی به حداکثر میزان رشد می‌یابد.

توسعه صادرات طبیعتاً موجب کاهش قیمت‌ها شده و در نهایت مصرف‌کنندگان از آن منتفع خواهند گردید.

گسترش و تشویق صادرات عاملی است که موجب سازماندهی تولید برای بازارهای بزرگتر شده و در نتیجه روش‌های تولیدی مناسبتر و کم‌هزینه‌تر به دلیل فشردگی رقابت در آن بازارها، بکار گرفته می‌شود.

حقیقت این است که تولید بیشتر در یک مکان به هر روشی که باشد، در افزایش موجودی نیروهای مولد جهان مؤثر واقع می‌شود. یک ملت ممکن است در سطح اشباع احتیاجات خود بوده و یا عقب افتاده باشد، لذا منابع داخلی ممکن است بیکار یا راکد نگه داشته شده باشند. گشایش باب تجارت و توسعه صادرات، علاوه بر آنکه باعث می‌شود مردم با کالاهای جدیدی آشنا شوند، باعث ایجاد انگیزه برای بسیج نیروهای هنوز توسعه نیافته ایشان (به وسیله نوعی انقلاب صنعتی) نیز خواهد شد. این عامل موجب

اول- در مرحله گذار به اقتصاد باز، منابع از بخش‌های غیررقابتی و کم بازده که براساس سیاست‌های مبتنی بر نگاه به درون ایجاد شده بودند، به بخش‌های پربازده جدید التاسیس بر مبنای نگاه به بیرون انتقال می‌یابند.

دوم- تجربه توسعه نشان داده است که فعالیت‌های تولیدی صادراتی بازدهی بیشتری دارند؛ چرا که این گونه فعالیت‌ها در اثر فشار رقابتی بازار جهانی از لحاظ فن‌آوری بهنگام می‌شوند و در رقابت با بازار جهانی موقعیت خود را حفظ می‌کنند.

سوم- فعالیت‌های صادراتی اثر مستقیم بر افزایش بهره‌وری سایر فعالیت‌های تولیدی مرتبط با واحدهای صادراتی دارند، زیرا صادرات زمینه انتقال فن‌آوری بین‌المللی را به درون اقتصاد ملی و در درجه اول به واحدهای تغذیه‌کننده واحدهای صادراتی فراهم کرده و فن‌آوری روز را به خدمت این واحدها در می‌آورد.

چهارم- نظام رقابتی شدید مورد نیاز توسعه صادرات، موجب فشار به آن گونه واحدهای تولیدی می‌شود که کالاهای خود را به بازار داخلی عرضه می‌کنند. در نظام رقابتی برون‌گرا این واحدها از دو جهت تحت فشار قرار خواهند گرفت: از یک سو باید در مقابل واحدهای تولیدی صادراتی کارا شوند و از سوی دیگر در مقابل کالاهای وارداتی رقیب قرار می‌گیرند. در چنین شرایط و اوضاع و احوالی، این گونه واحدها برای جلوگیری از اضمحلال خود راهی جز افزایش بهره‌وری و بهنگام سازی خود با دانش روز ندارند.

در این راستا و با توجه به اهمیت موضوع در چند دهه اخیر مضامین و سیاست‌های متنوعی در داستای افزایش توان رقابتی کشور در راستای توسعه صادرات انجام شده است که در بین اقتصاد دانان مجموعه برنامه‌هایی که در راستای این مهم مورد توجه قرار می‌گیرد؛ به استراتژیهای توسعه صادرات غیر نفتی شهرت دارند.

بر اساس آمارهای رسمی، میزان صادرات غیرنفتی کشور در نیمه نخست امسال با رشد ۵۷/۸ درصدی صادرات غیرنفتی کشور، معادل کل سال ۸۳ رشد داشت که این امر بیانگر عزم جدی مسؤولان برای رهایی از وابستگی به صادرات نفت و برنامه‌ریزی برای افقی روشن تر در عرصه صادرات غیرنفتی می‌باشد. بر

ارضای بیشتر نیازها و خلق آرزوهای جدید می‌گردد که در نهایت انگیزه‌ای خواهد شد برای کار و تلاش بیشتر و دستیابی به پس‌انداز و انباشت سرمایه زیادتر برای آینده.

بنابراین توسعه صادرات موجب افزایش درآمد و اشتغال شده و به علت صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و یا بهبود روش‌های تولیدی، کارایی و بهره‌وری عوامل تولید ارتقا خواهد یافت و چنانچه ظرفیت‌های استفاده نشده تولیدی و یا اشتغال ناقص در کشورهای در حال توسعه وجود داشته باشد (که عملاً وجود دارد)، در این صورت افزایش تولید و صادرات نه تنها قیمت‌های داخلی را افزایش نمی‌دهد، بلکه افزایش کارایی، صرفه‌جویی‌های مقیاس و بهبود تکنیک‌های تولید، میزان تولید داخلی را (حتی با داده‌های ثابت) گسترش داده و قیمت‌های کالاهای تولید شده در داخل کشور را کاهش می‌دهد.

در این فراگرد اگر تنها اشتغال کامل عوامل تولید در جریان توسعه اقتصادی حادث شود، رشد بیشتر تولید محصولات صادراتی ممکن است موجب افزایش قیمت‌های عوامل تولید (دستمزد، بهره و اجاره) به علت مهاجرت داخلی بین صنایع شود. در این مراحل باید توجه داشت که فشار حاصله برای افزایش قیمت کالاهای صادراتی را می‌توان به وسیله واردات کالاهای مصرفی و یا سرمایه‌ای برطرف نمود و حتی قیمت‌های داخلی را متناسب با شرایط کاهش داد.

از دیدگاه کلان می‌توان به «اثر کینزی» صادرات اشاره کرد. براساس نظریه کینز چون صادرات جزئی از تقاضای کل اقتصاد است، افزایش آن علاوه بر تأثیر مستقیم، دارای یک اثر غیر مستقیم از طریق ضریب شتاب بر تولید داخلی می‌باشد. دومین اثر صادرات بر رشد اقتصادی می‌تواند ناشی از رشد منابع ارزی باشد. با گسترش سریع صادرات، محدودیت‌های ارزی برای رشد اقتصادی کاهش یافته یا رفع می‌شود که این عامل مهمی برای تسریع در رشد کشورهای در حال توسعه است.

اثر دیگر صادرات بر رشد سریع‌تر اقتصادی را می‌توان از طریق اثر نئوکلاسیکی تفسیر نمود. ایشان معتقدند که رشد سریع‌تر اقتصادی همراه با رشد سریع‌تر تغییرات فن‌آوری است. براساس این دیدگاه، رشد سریع صادرات به چهار دلیل با افزایش بهره‌وری همراه خواهد شد:

غیرنفتی، بهینه‌سازی زنجیره‌ای محصولات و خدمات برای افزایش صادرات، آزادسازی تجارت جهانی (جهانی‌سازی) با نگاهی نو به توانمندی تولید صادرات‌گرا، از موضوعات مهمی است که ما را در ارتقای میزان صادرات غیرنفتی کشور یاری می‌کند.

ذکر این نکته ضروری است که مسائلی چون بهره‌وری پایین و بالابودن هزینه‌های مالی تولید، چالش‌های رقابتی، الزامات قانونی محدودیت‌ها در روند صادرات تأثیر منفی بر جای می‌گذارد. در حالی که مشوق‌ها، مزیت‌های بالقوه و بالفعل درام صادرات، الزامات فنی و تکنولوژیکی کشور را در مسیر رسیدن به اهداف صادراتی قرار می‌دهد [۱۲].

همچنین چگونگی ایجاد جریان اطلاعات به روز با نگاهی به تحولات جهانی در حوزه تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، مهارت‌های فنی و تخصصی مورد نیاز صادرات، مدیریت ریسک در امر صادرات غیرنفتی و شناسایی علمی احتمالات، صدور خدمات فنی و مهندسی فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو، ما را در پیمودن مسیر رشد پایدار در سایه توسعه صادرات نفتی یاری می‌رساند.

از سوی دیگر چگونگی بهره‌گیری از ابزارها و روش‌ها، فناوری‌های نوین، زمینه‌سازی تحول آفرین در فرآیند صدور کالا و خدمات، یکپارچه‌سازی و هماهنگی سیاست‌ها و راهبردهای سایر بخش‌های اقتصادی کشور با استراتژی‌های توسعه صادرات و چگونگی مهارت‌تجارت، مبادلات غیررسمی و بررسی عوامل مؤثر در آن از جمله تثبیت نرخ ارز (گرانی صادرات و ارزانی واردات) و تأثیر احتمالی منفی اجرای غیر دقیق مالیات بر ارزش افزوده از محورهای دستیابی به اهداف چشم انداز ۲۰ ساله است.

در سال‌های گذشته کشورهایی همچون چین، سنگاپور و مالزی در عرصه صادرات غیرنفتی بسیار موفق عمل کرده‌اند. برنامه صادراتی مالزی تا ۲۰۱۲ میلادی نمونه‌ای است که در آن ۱۰ تا ۱۵ هزار دلار سرانه صادراتی را هدف گرفته است و این اشاره به آن است که کشور ما نیز می‌تواند تا پایان برنامه پنجم توسعه اقتصادی کشور (سال ۱۳۹۳) به سرانه صادرات ۵۰۰ تا یک هزار دلار دست یابد [۸].

به اعتقاد برخی کارشناسان بازرگانی در حالی که بازار بزرگ آسیای میانه و قفقاز به روی ایران باز شده است، اما

اساس ارزیابی‌های انجام شده در صورت تداوم رشد صادرات غیرنفتی این میزان در سال جاری نزدیک به ۱۶ میلیارد دلار خواهد بود.

نگاهی به روند صادرات کشور در سال‌های گذشته بیانگر ارتقای سطح صادرات غیرنفتی در سال جاری است، بر اساس برخی آمارهای رسمی میزان صادرات غیرنفتی ایران در فاصله سال‌های ۷۴ و ۷۷ حدود ۳ میلیارد دلار بود، اما از سال ۷۸ به بعد به تدریج روند صادرات غیرنفتی کشور رشد فزاینده‌ای به خود گرفت و در سال ۸۰ این رقم به ۳ میلیارد و ۹۱۷ میلیون دلار و در سال ۸۱ به ۴ میلیارد و ۴۲۲ میلیون دلار رسید [۱].

اما در سال ۸۲ صادرات غیرنفتی کشور از مرز ۶ میلیارد دلار گذشت. ضمن اینکه این رقم در سال ۸۲ نیز رقمی معادل ۱۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار را تجربه کرد و از سال ۸۴ به بعد صادرات غیرنفتی برای نخستین بار از پیش‌بینی برنامه چهارم فراتر رفت و به حدود ۱۲ میلیارد دلار رسید.

این وضعیت نشان از آن دارد که صادرات در بستر توسعه در حال خیزش بوده و سیاست‌های دولت نیز تأثیر مثبت را در روند صادرات گذاشته است و انتظار می‌رود در پایان سال ۱۳۸۸ یعنی پایان برنامه چهارم توسعه، صادرات غیرنفتی کشور به دست کم ۳۵ میلیارد دلار یعنی سرانه ۵۰۰ دلار برسد.

بدون تردید برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله باید برنامه‌ریزی دقیقی در خصوص تعیین اهداف و راهکارهای دستیابی به آنها صورت گیرد، این در حالی است که برای تعیین هدف، علامه بر برنامه‌ریزی، وقت و زمان باید صرف شود. از سوی دیگر پیش از پایان چشم‌انداز ۲۰ ساله باید به برابری صادرات غیرنفتی با صادرات نفتی دست یابیم و این مهم باید به عنوان یک هدف والا سرلوحه کار مسئولان قرار گیرد.

با توجه به اهداف چشم‌انداز، راهبردهای توسعه تجارت، الزامات و متدلوژی‌های مناسب، راهکارهای جدید توسعه صادرات غیرنفتی، با نگاهی نو به فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو، زیرساخت‌های مورد نیاز توسعه صادرات، توجه به امکانات و محدودیت‌های موجود، ساماندهی و تسهیل بهبود و نوسازی فرآیندهای اجرایی در امر توسعه صادرات

دقیق و به نفع صادرات و جهت تشویق این بخش باشد، پیشنهاد می‌شود نرخ‌های صادراتی واقعی تنظیم شود تا همه ارقام و آمار صادرات به روز و بهینه باشد و هم صادرکنندگان مشوقهای خود را با نرخ واقعی و روز دریافت دارند.

موافقت با ورود موقت کالا برای سهولت تولید و در نتیجه صادرات است و باید ترتیبی اتخاذ شود که با درخواستهای ورود موقت به طور سریع موافقت شود.

برای تشویق صادرات مجدد نیز باید علاوه بر پرداخت جوایز متداول صادراتی حداقل نیم تا یک درصد جوایز بیشتر به این گونه صادرکنندگان اعطاء شود و استفاده از فن آوریهای جدید خصوصاً تجارت الکترونیک در بازرگانی داخلی و خارجی به صورت جهشی در کشور توسعه یابد.

### روش تحقیق

در این مقاله از طریق ابزار نظری و کاربردی و با استفاده از تکنیکهای اقتصادسنجی علی‌الخصوص روش OLS تأثیر تغییرات متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بدین منظور از بسته‌های نرم‌افزاری Eviews و Excel در تجزیه و تحلیل مدل‌های رگرسیون و ترسیم نمودارها استفاده گردیده است. بسته نرم‌افزاری Eviews از محدود برنامه‌های است که به دلیل ویژگی‌های خاص خود دارای جایگاه ویژه‌ای در حل شبیه‌سازی و پیش‌بینی الگوهای آماری و ریاضی است. سهولت اجرای زمانه‌ها، دسترسی آسان به فرصت‌های اصلی، قابلیت ورود و خروج اطلاعات، صفحه گسترده‌ها و ویراستارهای متنی، ترسیم نمودارهای با کیفیت بالا و وجود روش‌های پیشرفته نظری در آزمون‌های جدید در این برنامه و مزایایی از این قبیل سبب شده است که این برنامه برای حل سؤالات مطرح در این مقاله مورد استفاده قرار گیرد. همچنین داده‌های مورد استفاده سری‌های زمانی سالانه‌ای هستند که از مجموعه آماری سری‌های زمانی سالانه سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت کشور، سالنامه آماری بازرگانی خارجی ایران، نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی و سایت‌های اینترنتی جمع‌آوری شده است.

### متغیرهای تحقیق

۱- صادرات غیرنفتی

۲- نرخ ارز

متأسفانه هنوز نتوانسته‌ایم از این بازارها به نحو شایسته‌ای بهره‌گیریم.

صادرات غیرنفتی ایران به این کشورها از ۶۸۰ میلیون دلار در سال ۷۲ به ۶۰۰ میلیون دلار در سال ۸۳ کاهش یافت. سهم ایران از این بازار اکنون تنها ۲/۵ درصد است، در حالی که سهم اتحادیه اروپا از بازار قفقاز ۳۶ درصد و سهم روسیه از بازارهای آسیای میانه ۳۲ درصد، سهم ترکیه هشت درصد و آمریکا شش درصد است.

بر اساس گزارش‌های رسمی در سال ۲۰۰۵ میلادی ارزش تجارت جهانی، معادل ۱۰ تریلیون دلار بود که سهم ایران با احتساب صادرات نفت ۶۵ صدم درصد و بدون نفت یک دهم درصد بوده است و این زنگ هشدار برای توجه جدی به امر صادرات غیرنفتی با تکیه بر برنامه‌ریزی‌های منسجم است.

برای رسیدن به اهداف بلندمدت در توسعه صادرات غیرنفتی با بررسی و کنکاش دقیق فرصتها و تهدیدهای پیش روی اقتصاد ایران در حوزه جهانی شدن، می‌توان به رفع محدودیتها و ضعفهای موجود در زیر ساختهای اقتصادی کشور و مرتبط با صادرات پرداخت و حوزه‌های مختلفی چون حمل و نقل، پایانه‌ها، دسته‌بندی، راه‌های ریلی، جاده‌ای، هوایی، دریایی مورد کالبد شکافی قرار گیرد تا با ضعفها و محدودیتها آشنا شده و نسبت به رفع آنها اقدام شود.

از سوی دیگر لازمه بازاریابی مناسب در بازارهای هدف علاوه بر بهره‌مندی از تبلیغات و بسته‌بندی اثرگذار، داشتن کالاهای رقابت پذیر در بازار جهانی است.

باید با توجه به آزادسازی تجارت جهانی، گرایش به تولید صادرات گرا، مهارت‌های لازم برای صادرات موفق از بسته‌بندی تا تبلیغات با در نظر گرفتن مزیت‌های اقتصاد ایران در چارچوب برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز ۲۰ ساله راهبردهای صادراتی کشور در کنار راهبردهای تجارت تهیه و تنظیم شود. زیرا نمی‌توان بدون داشتن استراتژی تجاری و برنامه صادراتی دارای صادرات قابل توجه بود.

هرگونه متناقض بودن سیاست‌ها حتی راهبردها در حوزه وزارتخانه‌ها به نوسازی و تحول در اقتصاد ایران لطمه می‌زند، بنابراین ضروری است در حوزه یکپارچه‌سازی و هماهنگی سیاست‌ها اقدامات اساسی به عمل آید.

همچنین نظر به اینکه محاسبه مشوق‌های صادراتی باید

## ۳- تورم

## ۴- تولید ناخالص داخلی واقعی

**تعریف صادرات**

صادرات عبارت است از ارتباط و کارکردن با بازارهای حرفه‌ای و حرفه‌های بازار در آن سوی مرزها. صادرات نقطه آغاز ارتباط برقرار کردن با دیگران است. صادرات برای رشد و توسعه اقتصادی کشور است که از فروش تولیدات یا خدمات به کشورهای دیگر برای کسب درآمد ارزی حاصل می‌شود و در برقراری موازنه تجاری و ایجاد تعادل اقتصادی کمک شایانی می‌نماید [۴].

**تعریف ارز**

در فرهنگ معین، ارز به ارزش، بهاء، قیمت و نرخ یا برابری پول داخلی با پول بیگانه (خارجی) تعریف شده است. در مکالمات بازرگانی و اقتصادی امروز، ارز به معنی پول رایج خارجی استفاده شده است و طبق تعریف مالیه از ارز خارجی، ارز در مفهوم وسیع و بسط یافته، شامل کلیه وسایل پولی پرداخته‌های خارجی می‌باشد [۱۴].

**تعریف تورم**

تورم به عنوان یکی از متغیرهای اقتصادی آثار مخربی در ساختار اقتصاد و سیاست کشور دارد. واژه تورم همچون بسیاری اصطلاحات اقتصادی به گونه‌های مختلف تعریف شده است که به اختصار مواردی را شرح می‌دهیم.

- تعریف Lerner: تورم شرایطی است که در آن مازاد تقاضای کل بر کالاها در اقتصاد وجود دارد [۶].

- تعریف paish: تورم وضعیتی است که در آن درآمدهای پولی سریعتر از جریان کالاها و خدماتی که این درآمدها روی آن کالاها و خدمات صرف می‌شوند، افزایش می‌یابند (یعنی سریعتر از درآمد ملی واقعی) [۱۵].

تعریف turvey: تورم یک فرآیند افزایش سطح عمومی قیمت یا دستمزد است که تحت شرایطی شروع می‌شود که سطح کلی محصول در کوتاه‌مدت نمی‌تواند افزایش یابد [۱۸].

**پیشینه تحقیق**

اسپنسر ۱۹۸۸ بیان می‌کند که بنیانگذاران سیاست استراتژیک تجاری در اوایل دهه ۱۹۸۰ تدوین استراتژی تجاری را طی دو مرحله انتخاب صنایع راهبردی و هدف گذاری صنایع انتخاب شده از طریق ابزارهای سیاست

استراتژیک تجاری و صنعتی امکان پذیر دانسته اند. به نظرایشان مهم ترین عامل انتخاب صنایع راهبردی در کشورهای در حال توسعه سود آوری است. یعنی صنایعی که دارای سود آوری بیشتری می باشند از الویت بالاتری برخوردار خواهند شد و حمایت از آن ها انگیزه تولید و صادرات را تقویت می کند و تولید و صادرات پایدارتری را همراه خواهد داشت [۶].

اکبر زارع زاده مهریزی (۱۳۷۹) عملکرد برنامه های صادرات غیر نفتی ایران را مورد تحلیل قرار داده است او بی توجهی به مزیت ها ینسی کشور در زمینه صادرات؛ رعایت نکردن استاندارد کیفیت و از دست دادن بخشی از بازار؛ تزلزل در سیاست های ارزی؛ نداشتن اطلاعات دقیق از بازار محصولات صادراتی، هدف گذاری های خوش بینانه و ناهماهنگی بین بخش های مختلف را از مهمترین دلایل ناکامی در دستیابی به اهداف تعیین شده در زمینه صادرات غیر نفتی عنوان می کند [۲].

کمیجانی و میر جلیلی (۱۳۸۰) در مطالعه خودشان را با عنوان ساز و کار سیاست استراتژیک برای توسعه صادرات صنعتی ایران به منظور ارائه الگویی جهت برنامه ریزی راهبردی برای تبیین سیاست تجاری، ضرورت های توجه به صادرات غیر نفتی را ناشی از روند نزولی سریع کالاهای صادراتی به میزان ۲/۵ برابر از سال ۶۷ تا ۷۶ و افزایش بهای کالاهای وارداتی به میزان ۷ بربر طی سال های ۷۵-۶۵ می داند [۷].

محمد رضا زرگر آزاد (۱۳۸۰) از تکنیک تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی برای طراحی استراتژی بازاریابی بنگاه های صادر کننده محصولات کشاورزی استفاده نموده است سود دراز مدت بنگاه های بازرگانی صادراتی متأثر از انتخاب مناسب محصولات صادراتی و بازارهای هدف است و این انتخاب ها تحت تأثیر مجموعه متنوعی از عوامل است و انتخاب محصولات و بازارهای هدف باید با لحاظ کردن این عوامل صورت گیرد [۴].

طیبی و مصری در ال ۱۳۸۰ یک مطالعه مشترک و با استفاده از روش های خود رگرسیون علی الخصوص روش ARDL به بررسی ارتباط نرخ تورم به عنوان یکی از متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیر نفتی می پردازند. در این راستا بعد از تعیین پایایی متغیرها به برآورد رابطه

ملی و محیط داخلی شرکت و عناصر آمیخته بازاریابی را بر روی موفقیت در صادرات مطالعه کرده است. با تجزیه و تحلیل داده‌ها نتیجه‌گیری شده است که ارتباط معنی داری بین متغیرهای بازار هدف و ملی و میزان موفقیت در صادرات وجود دارد [۶].

شاکری (۱۳۸۳): در این مقاله سعی بر این است که نقش عوامل تاثیر گذار قیمتی و عوامل غیر قیمتی مبنایی بر صادرات غیر نفتی را مورد مطالعه قرار دهیم. به این منظور، صادرات غیر نفتی تابعی از دو متغیر قیمتی نرخ ارز آزاد و نرخ تورم و دو متغیر مبنایی بهره‌وری و رقابت پذیری در نظر گرفته شده و از تکنیک ARDL به منظور برآورد مدل استفاده شده است. نتایج حاصل از برآورد این مدل نشان می‌دهد که صادرات غیر نفتی به طور اساسی به وضعیت متغیرهای مبنایی بهره‌وری و رقابت پذیری وابسته بوده اما متغیرهای قیمتی نرخ ارز، اگرچه بر صادرات تاثیر مثبت داشته لیکن، این تاثیر قابل ملاحظه و تعیین کننده نبوده است. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که برای افزایش صادرات باید تلاش شود موانع کارکرد موثر عوامل قیمتی رفع شده و ارتقای صادرات غیر نفتی بر متغیرهای غیر نفتی (مثل بهره‌وری و رقابت پذیری) بیشتر تاکید شود [۳].

مدهوشی و تازی در سال ۱۳۸۶، مطالعه راه‌های توسعه صادرات غیر نفتی استان مازندران با در نظر گرفتن کلیه شرایط داخلی و موقعیت‌های موجود در بازارهای هدف را مورد بررسی قرار می‌دهند. بنابراین، ابتدا با استفاده از شاخص مزیت نسبی آشکار (RCA)، اقلام صادراتی مزیت دار استان مازندران شناسایی شده و پس از بررسی بازارهای هدف، با استفاده از تکنیک SWOT به بررسی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات در مورد این اقلام پرداخته می‌شود و استراتژی‌های مناسب برای توسعه صادرات غیر نفتی این استان ارائه می‌گردد. در نتیجه این تحقیق مشخص شد که بخش کشاورزی و صنعت، از نظر شاخص RCA دارای نمره بالایی بوده و دارای مزیت نسبی هستند و در خود بخش کشاورزی نیز اقلام گل و گیاه و مرکبات و کیوی دارای مزیت نسبی هستند. با بررسی SWOT برای گل و گیاه و کیوی، استراتژی توسعه بازار و برای مرکبات، استراتژی رسوخ در

بین متغیرها پرداخته می‌شود. نتایج ناشی از تخمین حاکی بر آن است که افزایش سطح قیمت‌های داخلی باعث افزایش صادرات غیر نفتی شده است و علت آن هم این است که تولید کنندگان داخلی در صورت مشاهده افزایش قیمت‌های داخلی انگیزه خود را برای صادرات کاهش می‌دهند [۵].

ابریشمی (۱۳۸۱) در مطالعه خود بر این باور است که بر اساس نظریه‌های تجارت بین الملل، کشورهای در حال توسعه به دلیل برخورداری از مزیت‌های نسبی و فراوانی نهاده‌ها و منابع اولیه تولید، از تخصص‌های اولیه اقتصادی برخوردار هستند. در این رابطه اقتصاددانان توسعه، تخصص‌گرایی بین المللی را به دلیل وابستگی شدید اقتصاد به کالاهای صادراتی مورد انتقاد قرار می‌دهند. اینان، معتقدند که تخصص‌گرایی بین المللی در کالا برای یک کشور منجر به وابستگی شدید اقتصاد آن کشور به درآمدهای صادراتی آن کالا می‌شود. و به دلیل غیرقابل پیش بینی بودن قیمت کالاهای صادراتی، نوسانات شدید آن منجر به نوسان و بی ثباتی درآمدهای صادراتی گردیده و این امر، اثر منفی (و گاهی اوقات اثر مثبت) بر کل اقتصاد خواهد گذاشت. تغییرپذیری و نوسانات قیمت به طور عمده در بی ثباتی درآمد ملی و رشد اقتصادی متبلور می‌شود. به همین منظور در این مقاله، رابطه بی ثباتی درآمدهای حاصل از صادرات نفتی و رشد اقتصادی در ایران بررسی می‌شود. زیرا، با درک صحیح و شناخت درست ماهیت و علل بی ثباتی می‌توان در جهت رفع و یا هدایت آن به بخش‌هایی که اثرات جانبی کمتری به بار می‌آورد، اقدام و از پیامدهای آن بر کل اقتصاد جلوگیری کرده و یا آنها را محدود نمود. لذا در این مقاله، بر اساس الگوی رشد فدر (۱۹۸۲) مبتنی بر رویکرد هم‌انباشتگی سیستمی جوهانسن (۱۹۸۸) به بررسی اثرات حاصل از بی ثباتی صادرات نفتی می‌پردازیم. نتایج حاکی از آن است که بی ثباتی صادرات نفتی در بلندمدت اثری بر تولید ناخالص داخلی نداشته، بلکه، این اثر در کوتاه مدت ظاهر می‌شود [۱].

مصطفی قاضی زاده (۱۳۸۲) در پایان نامه دکتری خود به بررسی و تعیین عوامل موثر بر موفقیت شرکتهای صادراتی ایرانی در بازارهای آسیای میانه و ارائه استراتژی مناسب جهت افزایش صادرات غیر نفتی پرداخته است. وی در تحقیق خود تأثیر چهار متغیر محیط بازار هدف، محیط

در این مرحله الگوی مورد نظر که یک تابع لگاریتمی دو طرفه است با استفاده از روش OLS برآورد می شود. نتایج برآورد در جدول زیر نشان داده شده است. اما بحثی که همواره مطرح بوده است تبعات اقتصادی جنگ تحمیلی ۸ ساله است که همواره با استفاده از یک متغیر مجازی در مدل های اقتصادی ظهور می کند. بر این اساس مدل نهایی که در این مدل برآورد می شود به شکل زیر است:

$$LRX = C + \alpha LP + \beta LREX + \gamma LRGDP + \delta DUM$$

که در آن متغیر DUM بیان گر اثرات اقتصادی جنگ است.

همان طور که مشاهده می شود ضرایب برآوردی رابطه مثبت و منفی بین متغیر توضیحی مدل را بر متغیر وابسته صادرات واقعی غیرنفتی نشان می دهد و علاوه بر این چون مدل به کار رفته در این مطالعه یک مدل لگاریتمی است ضرایب برآورد شده کشش ها را نیز نشان می دهد. با توجه به نتایج مشاهده شود در جدول (۱) می توان گفت:

الف) : ضریب برآوردی نرخ تورم دارای علامت منفی، معادل  $-0/14$  است. به این مفهوم که با افزایش یک نرخ تورم، صادرات واقعی غیرنفتی  $-0/14$  درصد کاهش می یابد و از نظر آماری نیز به علت بالا بودن  $t$ -statistics با احتمال بیش از ۹۹ درصد معنی دار است (نمی توان آن را رد کرد).

بازار، استراتژی های جذاب شناخته شده اند. در پایان مقاله، جمع بندی، بحث و نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات آمده است [۹].

### ارایه و برآورد مدل

با توجه به اینکه هدف از مقاله حاضر بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی در ایران طی سال های ۱۳۸۶-۱۳۵۶ می باشد. بنابراین با استفاده از تکنیک های اقتصادسنجی، شبیه سازی تابع صادرات غیرنفتی تخمین زده می شود. برای بررسی اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی الگوی زیر تبیین گردیده است:

$$LRX = C + \alpha LP + \beta LREX + \gamma LRGDP$$

که در آن:

LRX = لگاریتم صادرات واقعی غیرنفتی

LP = لگاریتم نرخ تورم

LREX = لگاریتم نرخ ارز واقعی در بازار آزاد

LGDPR = لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی می -

باشند.

نکته قابل توجه این است که متغیرهای مذکور به صورت اسمی و بر حسب مقادیر جاری می باشند و با توجه به وجود تورم در اقتصاد ایران باید از مقادیر واقعی متغیرها استفاده کرد. به همین منظور برای واقعی کردن متغیرها از شاخص خرده فروشی کالا و خدمات سال ۱۳۷۶ استفاده شده است.

جدول (۱): نتایج برآورد الگوی صادرات غیرنفتی با استفاده از روش OLS

Variable	Coefficient	t-statistic	Prob.
C	-0/11	-1/3	0/193
LP	-0/14	8/4	0/0000
LREX	0/11	-3/84	0/0000
LGDPR	0/18	1/54	0/163
DUM	-0/29	3/31	0/002
$R^2 = 0/67$			
Durbin-Watson = 1/88			
F.statistics = 61/6			



متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی نشان داده شده است. نمودار شماره ۱، اثر یک انحراف معیار شوک کاهش ارزش ریال با افزایش نرخ ارز را به صادرات غیرنفتی کشور به نمایش می‌گذارد. مطابق این نمودار اجرای سیاست ارزی افزایش نرخ ارز، بعد از یک افزایش در همان لحظه، شاهد کاهش صادرات در طی سال‌های اول و دوم می‌باشیم.

همانگونه که در مدل مشاهده می‌شود، تأثیرات متغیر نرخ ارز ابتدا به صورت کاهشی است و سپس در طول زمان به صورت افزایشی نمود می‌یابد، که در بلندمدت بر طبق تئوری‌های اقتصادی بررسی می‌شود. اما در کوتاه مدت این روند از تئوری اقتصادی پیروی نمی‌کند.

در علم اقتصاد بین‌الملل و براساس تئوری تجارت جهانی، کاهش ارزش پول ملی یک کشور با بالا رفتن نرخ ارز سبب می‌شود که قیمت کالاهای صادراتی یک کشور در بازارهای خارجی و برحسب پول آن کشور کاهش یابد و در نتیجه خریداران و مصرف‌کنندگان طبق قانون عرضه و تقاضا، از آن کالاها بیشتر خریداری کنند [۹]. به عنوان مثال؛ اگر قیمت یک کیلو پسته صادراتی - صرف نظر از سایر هزینه‌ها - ده هزار ریال باشد و قیمت یک دلار نیز ده هزار ریال، باشد برای صادرکننده صرف می‌کند که پسته خود را صادر کند و در برابر، یک دلار از سیستم بانکی، و یا در بازار ده هزار ریال، بدست آورد و آن را صرف تولید و یا خرید دوباره پسته برای صادرات کند و سهم سود خود را نیز بردارد. حالا اگر در بازار ارز یک دلار برابر بیست هزار ریال شود، صادرکننده همان ده هزار ریال خود را می‌خواهد، بنابراین با پایین آوردن قیمت کالای خود تا حد یک دوم قیمت سابق (کیلویی ۵۰ سنت) سعی می‌کند بیشتر صادر کند و سود بیشتری با صادرات بیشتر ببرد.

دراثر رقابت صادرکنندگان با یکدیگر، قیمت کالای صادراتی در مسیری خلاف جهت نرخ ارز حرکت می‌کند و فرض این است که مصرف‌کنندگان خارجی با پایین آمدن قیمت، پسته بیشتری خریداری می‌کنند. برای کشور صادرکننده امری که اتفاق می‌افتد این است که پس از دو برابر شدن نرخ ارز (دلار) باید دو برابر جنس بدهد تا یک دلار بدست آورد. یعنی دو کیلو پسته باید صادر شود، یا یک دلار بدست

ب) : ضریب برآوردی نرخ ارز واقعی در بازار آزاد بر صادرات واقعی غیرنفتی رابطه مثبت دارد. به این شکل که با افزایش نرخ ارز واقعی در بازار آزاد، صادرات واقعی غیرنفتی افزایش می‌یابد. از نظر آماری این علامت مثبت است و با یک درصد افزایش نرخ ارز واقعی در بازار آزاد، صادرات واقعی غیرنفتی ۰/۱۱ درصد افزایش می‌یابد و از نظر آماری نیز به علت بالا بودن  $t - ststics$  با احتمال بیش از ۹۹ درصد معنی دار است (نمی‌توان آن را رد کرد).

ج) : ضریب برآوردی تولید ناخالص داخلی واقعی بر صادرات واقعی غیرنفتی رابطه مثبت دارد. به این شکل که با افزایش تولید ناخالص داخلی واقعی، صادرات واقعی غیرنفتی افزایش می‌یابد. از نظر آماری این علامت مثبت است و با یک درصد افزایش نرخ ارز واقعی در بازار آزاد، صادرات واقعی غیرنفتی ۰/۱۸ درصد افزایش می‌یابد و از نظر آماری نیز به علت بالا بودن  $t - ststics$  با احتمال بیش از ۹۹ درصد معنی دار است (نمی‌توان آن را رد کرد).

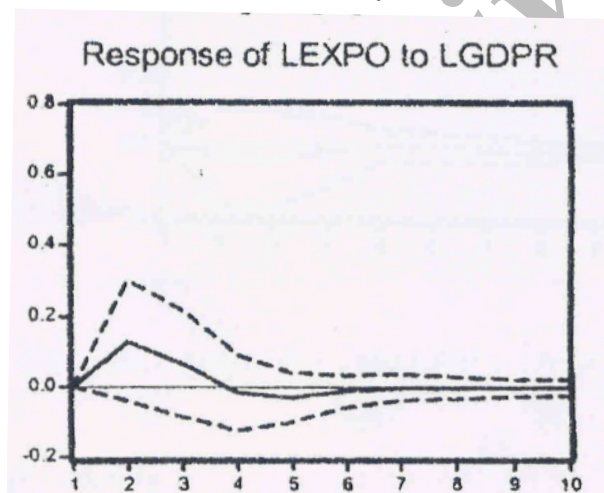
د) : ضریب برآوردی متغیر مجازی نشان دهنده جنگ تحمیلی ۸ ساله دارای علامت منفی، معادل  $-۰/۲۹$  است. به این صادرات واقعی غیرنفتی بر اثر جنگ تحمیلی کاهش می‌یابد و از نظر آماری نیز به علت بالا بودن  $t - ststics$  با احتمال بیش از ۹۹ درصد معنی دار است (نمی‌توان آن را رد کرد).

بر اساس مقدار آماره  $F$  معنادار بودن رگرسیون مورد تایید می‌شود و با توجه به مقادیر  $R^2$  می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تقریباً ۶۷ درصد تغییرات مربوط به متغیر وابسته مدل توسط متغیرهای توضیحی توضیح داده شده است. مقدار آماره دوربین واتسون تأیید کننده عدم وجود خود همبستگی باقی مانده هاست. علاوه بر این بالا نبودن  $R^2$  و معنادار بودن بیشتر متغیرهای مستقل موجود در مدل، نبودن مشکل هم خطی مدل را مشخص می‌نماید. بعد از تخمین مدل، شوک‌هایی به سیستم وارد گردیده تا واکنش متغیرها به شوک‌ها مورد بررسی قرار گیرد و زمان‌بندی شوک‌ها و مدت زمان استهلاک آنها معلوم گردد.

در نمودار شماره ۱، اثر یک انحراف معیار شوک از ناحیه

نمودار شماره ۲ نشان‌دهنده اثر یک انحراف معیار شوک از ناحیه متغیر لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی و صادرات غیرنفتی<sup>۳</sup> می‌باشد. اگر چنانچه یک انحراف معیار شوک در تولید ناخالص داخلی واقعی روی دهد، در سال اول و به علت اینکه افزایش در تولید نیاز به زمان و سرمایه‌گذاری خاص خود را دارد و کلاً انتقال منحنی عرضه در اقتصاد کلان به کندی و یا برنامه‌ریزی خاص انجام می‌شود، بنابراین هیچ تأثیری بر رشد صادرات غیرنفتی نخواهد داشت و به تدریج مشاهده می‌شود که تا سال دوم اثر این شوک مثبت و افزایشی است و در سال دوم، به حداکثر مقدار رسیده و پس از آن نیز به حالت کاهشی درمی‌آید و از سال چهارم به بعد که طبیعتاً بحث استهلاک سرمایه ثابت و تکنولوژی جدید و رقابت مطرح می‌شود، این اثر به صورت میرا درمی‌آید و تغییرات خاصی را در بلندمدت بوجود نمی‌آورد. بنابراین فرضیه فرعی یعنی؛ افزایش تولید ناخالص ملی در بلندمدت سبب افزایش صادرات غیرنفتی می‌شود، به شرط ثبات سایر شرایط و عدم وقوع شوک دیگر پذیرفتنی نمی‌باشد.

نمودار شماره ۲



نمودار شماره ۳ نشان‌دهنده اثر یک انحراف معیار شوک از ناحیه متغیر نرخ تورم (P) بر صادرات غیرنفتی (LEXPO) می‌باشد.

اگر چنانچه یک انحراف معیار شوک در نرخ تورم روی دهد در سال اول بی‌تأثیر خواهد بود. اما بتدریج با افزایش تورم شاهد کاهش صادرات غیرنفتی تا سال پنجم خواهیم بود و

آید. چون قیمت کالاهای وارداتی نسبتاً ثابت است و یا افزایش می‌یابد، « رابطه مبادله » یعنی نسبت قیمت کالاهای صادراتی به قیمت کالاهای وارداتی برای کشوری که ارزش پول خود را کاهش می‌دهد، بدتر می‌شود و کشور ضرر می‌کند. اگر قبل از بالا رفتن نرخ بالا، یک کیلو پسته می‌دادیم و یک قیچی می‌گرفتم، حالا باید دو کیلو پسته بدهیم و همان کالا را بگیریم. تنها دلیلی که کشورها ارزش پول را کاهش می‌دهند تا صادرات آنها افزایش یابد این است که تقاضا برای کالای صادراتی بسیار حساس باشد و مثلاً با ۱۰ درصد کاهش ارزش پول، درآمد ارزش صادرات ۴۰ درصد بالا رود.

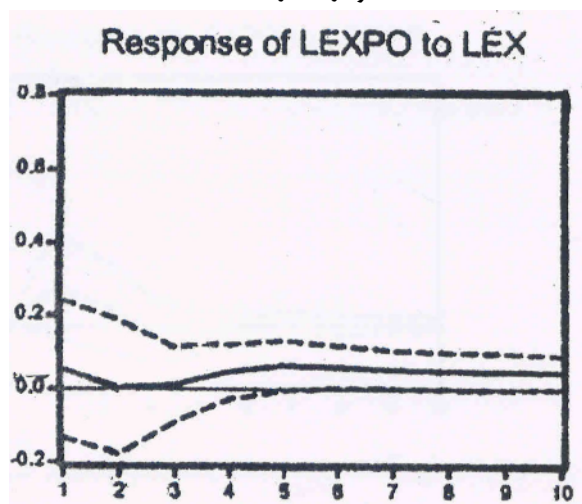
برای موفق شدن و یا درست از کار درآمدن نظریه فوق (تشویق صادرات از راه بالا برای نرخ ارز یا کاهش ارزش ریال) در همان تئوری تجارت بین‌الملل، پنج فرض ضمنی وجود دارد که در صورت تحقق نیافتن آنها کاهش ارزش پول برافزایش صادرات چه برحسب مقدار و چه برحسب مبلغ درآمد ارزی کشور تأثیری ندارد این شروط عبارتند از:

- ۱- قیمت کالاهای تولیدی داخل ثابت باشد؛ یعنی در کشور فشارهای تورمی وجود نداشته باشد؛
- ۲- مقدار عرضه؛ یعنی تولید کالاهای صادراتی قابل افزایش باشد (حساسیت قیمت عرضه)؛
- ۳- تقاضا برای کالاهای صادراتی در بازار مصرف نسبت به قیمت حساس باشد.

۴- کشورهای رقیب ارزش پول خود را پایین نیاورند.

۵- کشور واردکننده با وضع تعرف یا سهمیه یا سایر اقدامات مانع افزایش صادرات نشود.

نمودار شماره ۱



<sup>3</sup> - Non Oil-Burner

مبادله‌ای صادرات غیرنفتی براساس نرخ ارز در سراسر دنیا محاسبه می‌شود، طبیعتاً نرخ ارز ارتباط تنگاتنگی با صادرات غیرنفتی دارد و هرگونه تلاش در جهت کنترل یا رها کردن غیر کارشناسانه آن آسیب‌های شاید جبران‌ناپذیری بر پیکره صادرات غیرنفتی وارد خواهد آورد همچنانکه ما تاکنون شاهد آزمایش و خطاهای بسیار در این زمینه بوده‌ایم. مدل تحقیق نشان می‌دهد به ازای هر واحد افزایش در نرخ ارز، صادرات غیرنفتی به میزان  $0/87$  واحد افزایش می‌یابد، البته این بحث به معنی بی‌ارزش کردن پول ملی در جهت تشویق صادرات غیرنفتی نمی‌باشد.

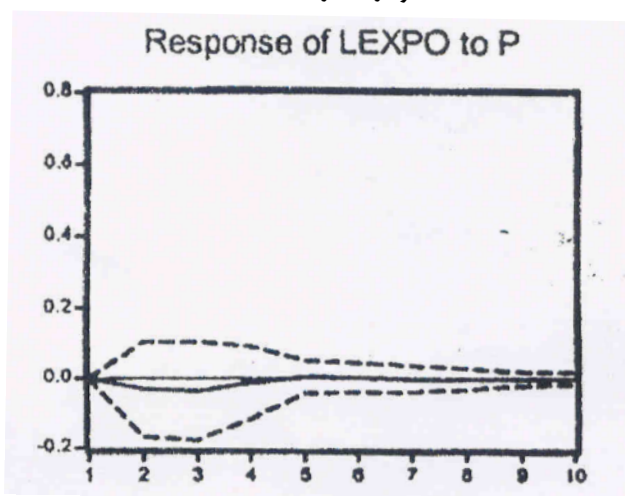
### پیشنهادات

به نظر می‌رسد سیاست نرخ ارز مدیریت شده در کشور ما سیاست کارایی می‌باشد. به شرط آنکه این نرخ همواره در بلندمدت ثابت نباشد. بلکه براساس شرایط اقتصادی، نرخ تورم و سایر شرایط حاکم، بازار نرخ ارز به سمت ارزش واقعی خود در اقتصاد نزدیک شود و اینگونه نباشد که طی ده سال، نرخ ارز (دلار)، حول  $8000$  ریال تا  $9000$  ریال با  $5\%$  نوسان تحت کنترل و مدیریت دولت باشد. اگرچه ثبات نرخ ارز خود عاملی در جهت کاهش ریسک صادرات بوده و باعث افزایش صادرات غیرنفتی می‌شود و به صادرکنندگان اطمینان خاطر می‌دهد.

رابطه نرخ تورم در مدل بررسی شده به صورت مستقیم ولی بسیار ناچیز گزارش شده است. ولی همان‌طور که در مدل شبیه‌سازی شده ملاحظه شد نرخ تورم سبب کاهش صادرات غیرنفتی شده است. نکته‌ای که باید به آن پرداخت اینست که در شرایطی که سیاست‌های اقتصادی دولت در جهت کنترل (مدیریت) نرخ ارز پیش می‌رود، خودبخود فشار بیشتری در جهت کاهش ارزش پول داخلی بطور ضمنی نه رسمی ایجاد شده که نمود آن را ما به صورت افزایش بی‌رویه در قیمت مواد اولیه و سپس مواد ساخته شده می‌بینیم. بنابراین، قسمتی از تورم مربوط به تورم عادی است که در اکثر اقتصادهای دنیا وجود داشته و مفید نیز می‌باشد و قسمت دیگر ناشی از ابهام ما در ارتباط با ارزش واقعی نرخ ارز است. که مدل این مفاهیم را به صورت واضح تفکیک نموده است. بنابراین راهکارهایی در جهت افزایش تولید ناخالص داخلی و حرکت به سمت نرخ ارز واقعی و همچنین سرمایه‌گذاری و افزایش عرضه کل،

پس از آن اثر نرخ تورم بتدریج میرا خواهد شد. علت این پدیده نیز به روشنی قابل توجیه است، زیرا صادرکننده با همان نرخ خارجی که از محل صادرات خود بدست می‌آورد، در مرحله دوم در صورتیکه نرخ ارز، شناور مدیریت شده باشد و نرخ تورم افزایش یابد، مجبور است پول بیشتری برای خرید همان کالا بپردازد، در نتیجه سود صادراتی او نیز کم می‌شود.

نمودار شماره ۳



باتوجه به نمودار شبیه‌سازی شده تولید ناخالص داخلی برای ده سال آینده، اهمیت این متغیر و تأثیر سه برابر آن بر صادرات غیرنفتی، گویای این واقعیت است که ظرفیتهای تولیدی در اقتصاد ایران به خوبی مورد استفاده قرار نگرفته است و این مهم به عنوان یک فرصت در جهت شکوفایی صادرات غیرنفتی ایران مطرح می‌شود.

با توجه به اینکه کشور ایران صرفاً در بحث صادرات غیرنفتی دارای مشکل نبوده است و بیشتر در مباحثی چون اشتغال، تولید و تکنولوژی، سطح رفاه عمومی و درآمد ملی با مشکلات عدیده‌ای روبروست، پرداختن به تولید غیرنفتی نیز سبب افزایش تولید ناخالص داخلی خواهد شد و متعاقب آن مشکلات رکود و بیکاری نیز برطرف خواهد گردید. نکته‌ای که در این زمینه حائز اهمیت است و در شبیه‌سازی به آن اشاره شد آن است که نگاه به تولید باید نگاهی میان‌مدت و یا بلندمدت باشد. بنابراین آن بالطبع نیاز به تلاش، تفکر و صبر بیشتری خواهد داشت تا در آینده شاهد شکوفایی اقتصادی و صادرات غیرنفتی باشیم.

نرخ ارز همواره در کشور ما با نوسانات زیادی مواجه بوده و بعضاً غیر کارشناسانه انجام گرفته است. با توجه به اینکه ارزش

1970)

11- Baumol. W.J. «welfare Economics and Theory of the state. » 2<sup>nd</sup> edn (London: LSE G. Boll and sons; 1465)

12-Boadway.Robin W. «Public sector Economics» Cambridge (1979)

13- Brown, C.V. and Jackson. P.M. «Public sector Economics» Martin Robertson. Oxford (1982)

14-Buchanan, J.M. «The pure theory of Government Finance A Suggested Approach. » Journal of political Economy, 57(Nov.1934)pp27-48

15-Burns, M.E. «A Note on the Concept and Measure of consumes Surplus;» A.E.R. 63(June 1973)

16- Feldstein, Martin S. «Equity and Efficiency Inpublic sector pricing. The optimal two – part Triff.» Quarterly journal of Economomics 86(1972)

17-Harberger, A.C. «Three Basic postulates for A applied welfare Economists; » Journal of Economic literature,4(sept, 1971)

18-Haveman, Robert H. «Common Property, Congestion» Quarterly Journal of Economics Vol 87/7

19-Head, John G. «public Goods and public Welfare. » Duke University press,(1974)

20- Himheifar, Jack. «Theory and Application» prentice Hall, Inc., (1976)

21-Hyman, David N. «Public Finance: A contemporary Applications of theory to policy» The Dryden Press (1987)

22-Samuelson, P.A. «The pure theory of public Expenditure», Review of Economics and Statistics (Nov.1954) p.p.387-9

23- Smith, Adam. «The wealth of Nation, IV ix, 51(516) cannan edn, 1961

خود سبب کاهش تورم و متعاقب آن افزایش صادرات غیرنفتی می‌شود. در نهایت در راستای توسعه صادرات غیر نفتی با اتکا به متغیرهای کلان اقتصادی باید تورم کاهش یافته و نرخ ارز افزایش یابد.

## منابع :

۱- ابریشمی، حمید و رضا محسنی(۱۳۸۱)،نوسانات غیر نفتی و رشد اقتصادی، پژوهش های اقتصادی ایران، شماره زمستان.

۲- زارع زاده مهریزی؛ اکبر (۱۳۷۹)، تحلیل عملکرد برنامه های صادرات غیر نفتی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).

۳- شاکری، عباس(۱۳۸۳)،عوامل تعیین کننده صادرات غیر نفتی، پژوهش های اقتصادی ایران،شماره پاییز.

۴- شجاعی،عبدالناصر(۱۳۸۷)، تخمین تابع تقاضای گاز طبیعی در بخش صنعت کشور، فصلنامه سرمایه و توسعه، سال اول، شماره اول.

۵- طیبی، سید کامیل و شیرین مصری زاده(۱۳۸۱)،بررسی ارتباط نرخ تورم و صادرات غیر نفتی،مجله تحقیقات اقتصادی، شماره پاییز و زمستان.

۶- قاضی زاده؛ مصطفی (۱۳۸۲)، بررسی و تعیین عوامل موثر بر موفقیت شرکت های صادراتی ایرانی در بازارهای آسیای میانه و ارائه استراتژی مناسب جهت افزایش صادرات غیر نفتی، پایان نامه دکتری دانشگاه تهران.

۷- کمیجانی، اکبر و سید حسین میر جلیلی (۱۳۸۰)، سازو کار سیاست استراتژیک تجاری برای توسعه صادرات صنعتی ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

۸- گجراتی، دامودار (۱۳۷۸). مبانی اقتصاد سنجی، ترجمه حمید ابریشمی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران

۹- مدهوشی،مهرداد و غفار تازی(۱۳۸۶)،استراتژی های صادرات غیر نفتی استان مازندران،پژوهشنامه بازرگانی،شماره پاییز.

10- Aaron, A and McGuire. M.C. «Benefits and Burdens of Government Expenditure. » Econometrica, 38(Nov.

## پیوست :

Dependent Variable: S LRX				
Method: Least Squares				
Date 03/04/09 ....Time 14:44				
Sample(adjusted): 135 1357-1386				
Included observations: 29 after adjustmeny				
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	-1.112347	38.74015	-1.345235	0.1934
LP	-0.140989	8.272474	8.435456	0.0001
LREX	0.115463	3.42E-07	-3.845653	0.0000
LRGDP	0.187675	9.101243	1.543434	0.1634
DUM	0.103376	0.107253	3.312368	0.0020
R-squared	0.675689	Mean dependent var	12.38145	
Adjusted R-squared	0.640981	S.D. dependent var	0.314935	
S.E. of regression	0.109014	Akaike info criterion	-1.459631	
Sum squared resid	0.344637	Schwarz criterion	-1.235166	
Log likelihood	29.81372	F-statistic	61.60464	
Durbin-Watson stat	1.885466	Prob(F-statistic)	0.000000	

Arch